

رفاه و تامین اجتماعی در عصر هخامنشیان

دکتر امان الله قزایی مقدم

● اگر رفاه و تامین اجتماعی را مجموعه‌یی از قوانین و مقررات، برنامه‌ها، خدمات اجتماعی، اقدامات عمرانی، کمک‌های اجتماعی، ارایه خدمات رایگان به نیازمندان، خدمات بهداشتی، گسترش آموزش و پرورش، اعطای معاش دوران بیکاری، تامین نیازهای سالمندان، ناتوانان، تهی‌دستان، حمایت از مادران و کودکان، زنانی بی‌سرپرست، پرداخت مزد عادلانه به کارگران و کارمندان زن و مرد، بیمه و بیمه بیکاری و از کار افتادگی، کاهش فقر، کمک به معلولان، برقراری عدالت و قضاوت عادلانه و ایجاد امنیت و نظام اداری و کشوری عادلانه و همچنین مقابله با آثار و نتایج چهار نوع رنج اجتماعی مشترک بشر یعنی بیکاری، بیماری، بی‌چیزی و فقر و ناتوانی و ضعف در نظر بگیریم زیرا مراد از تامین اجتماعی برنامه‌های رفاهی است که به طور کلی به منظور مقابله با مخاطرات در زندگی و حمایت از افراد جامعه صورت می‌گیرد و از ویژگی‌های «دولت رفاه» است، باید به جرأت بگوییم که در عصر هخامنشیان تا حد بسیار زیادی و در مقایسه با وضعیت امروزی کشور خودمان و بسیاری از کشورهای جهان به خوبی وجود داشته و کاملاً اجرا می‌شده است. **کوروش بزرگ** نه تنها در زمینه رفاه و تامین اجتماعی ایران بلکه برای مردم سرزمین‌های دیگری که به تصرف او در می‌آمد، کوشش فراوان به عمل آورد تا به گسترش عدالت، کردار نیک و اندیشه نیک، صلح و آرامش، رفع بردگی، آزادی دینی، دادخواهی و جلوگیری از اندوه و غم، خشونت و بدکرداری، دخالت نابه‌جا در زندگی مردم، دست‌درازی به امسوال دیگران و هم‌چنین آبادی خانه‌های ویران، سازندگی و غیره بپردازد.

کوروش، برخلاف بسیاری از فرمانروایان پیشین و زمان خود چون «آشور بانی پال» و دیگران که پس از غلبه در جنگ‌ها بر قوم مغلوب، شدیدترین مجازات را اعمال می‌کردند، طبق شهادت تاریخ و لوح استوانه‌یی موجود در موزه بریتانیا، از قتل و غارت دوری می‌کرد و به عمران و آبادی سرزمین آنها می‌پرداخت.

چنان‌که یهودیان بابل که در شدیدترین وضعیت در «بابل» به بیگاری گرفته می‌شدند، همانند دیگران توسط سپاه ایران و به دستور کوروش آزاد شدند و کوروش بزرگ با بودجه ایران و از محل غنائم «بابل» دستور بازسازی معابد و خانه‌های ویران شده یهودیان را صادر کرد و آن قوم را از تیره‌روزی چندین ساله نجات داد. به همین جهت است که یهودیان دنیا، هنوز پس از این همه سال در سرتاسر دنیا، روز آزادی بابل و نیز روز تولد کوروش بزرگ را جشن می‌گیرند.



اشاره:

این مقاله قصد دارد به کوتاهی گوشه‌ای از اقدامات صورت گرفته توسط ایرانیان را تنها درباره «رفاه و تامین اجتماعی» در دوره هخامنشیان مورد بحث و بررسی قرار دهد و معلوم کند که مردم ایران و حکومت‌های ایرانی که در چند هزار سال پیش و مخصوصاً عصر هخامنشیان می‌زیستند، مردمانی بسیار متمدن و کشور ایران سرزمین توسعه‌یافته‌یی بوده است. ایرانیان آن روزگار انسان‌های بی‌تفاوتی نبودند و همواره در جهت توسعه و رفاه نوع بشر به خصوص ملت ایران گام‌های بسیار اساسی برداشته‌اند و اقدامات فراوان و گوناگونی درباره «رفاه و تامین اجتماعی» به عمل آورده‌اند که تا مدت‌ها بعد از آنان وجود داشته است و اثر آن‌ها را هم‌اکنون نیز در لایه‌های زیرین آداب و رسوم خود درمی‌یابیم. «رفاه و تامین اجتماعی» سنتی است پسندیده و به جرأت و با قاطعیت می‌توان گفت زمانی که بسیاری از مردم دنیا در زندگی بسیار سختی به سر می‌بردند نیاکان بزرگوار ما در جهت رفاه و تامین اجتماعی نوع بشر گام‌های بسیار ارزشمندی برداشته‌اند.



در زمانی که در تمامی دنیا حتا کشورهای متمدن چون یونان که مهد دموکراسی خوانده می شود، برده داری امری رایج بوده، ایرانیان لغو آن را تصویب کردند و بسیاری از مردم ممالک تحت الحمايه ایران را از چنین بدبختی نجات دادند و برابری کامل بین تمام مردم ایران زمین به وجود آوردند.

در حالی که در ایران دوره هخامنشی برابری کاملی که بسیاری از ادیان بر آن تاکید می کنند اولین بار به صورت مکتوب در اعلامیه کوروش آمده است و سربازانی که توسط سپاه اسیر می شدند اگر به ایران تبعید می شدند، این آزادی را داشتند تا با آموزش علم به کودکان و جوانان ایران آزاد شوند. بودند سیرانی که در ایران عصر هخامنشیان به بالاترین مقامات لشکری و اداری رسیدند. در زمینه کسب دانش و فنون و حرفه های گوناگون و بالا بردن سطح تولیدات و تامین هرچه بیشتر نیازمندی های غذایی و وسایل لازم و مورد احتیاج هخامنشیان اقدامات بسیار اساسی انجام دادند. به حدی که آموختن فنون حرفه ای به اندازه ای اهمیت یافت که بعدها، حتی آنان که در رفاه بودند و بدان نیازی نداشتند آن را فرا می گرفتند.

در زمینه ایجاد راه های ارتباطی، پست، ارتباطات و مخابرات همان گونه که در تمدن جدید راه، تلفن، تلگراف، رادیو، تلویزیون و غیره و همچنین کتاب، مجله و روزنامه از عوامل ارتباط جمعی و رفاه اجتماع است و وسیله ای است که باعث آشنایی و نزدیکی (ذهنی، علمی، فرهنگی، اقتصادی) میان افراد یا یک قوم و جامعه با اقوام و جوامع دیگر است. در دوره هخامنشی نیز تا آنجا که در توانایی و گنجایش علم و صنعت آن دوران بوده توجه خاص شده و نیاکان ما در حد امکان برای بالا بردن سطح دانش و خواست های اجتماعی و تبادل فرهنگی، اقتصادی و ... با همسایگان خود کوشش کرده اند.

به همین سبب است که پست و چاپار را بنیاد نهادند. هرودوت می نویسد: «مخترع پست و چاپار، ایرانیان دوره هخامنشی هستند و هیچ انسانی به سرعت قاصدهای پارسی نمی تواند مسافرت کند».

در زمینه امور عمرانی، هخامنشیان اقدامات بسیار مهمی انجام دادند. آنها در سدسازی مخزن های آب، کاریز، ترعه ها، جاده ها، پل ها و ... تلاش زیادی کردند. گسترش کشاورزی و انتقال دانه ها و قلمه های گیاهان مختلف از ناحیه یسی به ناحیه دیگر از فعالیت های آنها بود. از هیات های پژوهشی و اکتشافی که به زمین ها و دریا های دور فرستادند مانند ماموریت فرستادن نجیب زاده ایرانی برای اکتشاف سواحل آفریقا که به دستور خشایار از جبل الطارق گذشته و کناره های قاره آفریقا را کاویده است. مثلاً در ناحیه هرات دریاچه ای برای کمک به کشاورزان کردند. کشت پسته و نوعی از مورادر شام، کشت کنجد را در مصر، کشت برنج را در میان رودان (بین النهرین) و کشت نوعی گردو را در یونان معمول داشتند.



این درحالی است که در همان روزگار «آشور بانی پال» با سرافرازی، رفتار دژخیمانه خود را چنین ثبت کرده است که «من در مدت یک ماه و یک روز، خوزیان و بابل را از آبادی تهی ساختم. من به دست خویش سه هزار جنگجو را از دم تیغ گذراندم و برخی را به کام آتش سپردم، چشمان بسیاری را در آوردم و پس از همه آن کارها، شهرها را آتش زدم و همه چیز را به آتش و خون کشیدم». کوروش بزرگ چنین می گوید: «چون به بابل درآمدم، به شادی و خوشی در کاخ شاهان نشیمن کردم». «مردوک» خدای بزرگ بابل، مردمان آزاده بابل را به سوی من گرداند و من هر روز به پرستش او روی آوردم، سربازان بی شمار من به آرامش بابل درآمدند. در برابر «سومر» و «آکد» رفتار دژخیمانه اجازه ندادم، یوغ ننگین را از آنها برداشتم، خانه های فروافتاده شان را از نو ساختم و ویرانه ها را پاک کردم، «مردوک» خدای بزرگ از کارهای نیکم شاد شد و از روی مهر، مرا آفرین گفت، مرا کوروش، شاهی که او را پرستش می کند امید و کمبوجیه پسر من و همه سربازانم و ما، بی ریا و با شادی خداوند گاریش را ستودیم. ارتش بزرگ من به صلح و آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و آن سرزمین وارد آید. من برای صلح کوشیدم. «نبونید» مردم درمانده بابل را به بردگی کشیده بود کاری که در شأن آنان نبود. من برده داری را برانداختم. به بدبختی های آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و آنان را آزار ندهند».

کوروش در این اعلامیه و دیگر کتیبه هایی که از او به جا مانده ضمن تاکید شدید بر رفاه و تامین اجتماعی مردم از تمام جهات بر پرستش اهورامزدا و خداوند بزرگ تاکید می کند. و به دستور او در تمامی قلمرو هخامنشیان تمامی پیروان ادیان مختلف در پرستش و عبادت آزاد شدند؛ امری که امروزه همه ما به خوبی آگاهیم در بعضی از کشورهای دنیا برای پیروان ادیان مختلف آرزوی دست نیافتنی است. بسیاری فکر می کنند آزادی دینی و اجتماعی مربوط به بعد از انقلاب فرانسه است در حالی که در ایران زمان هخامنشیان شاهد آن هستیم و در مدت دویست سال از حکومت این سلسله به جرات می توان گفت مردم در قلمرو و پادشاهی هخامنشی نسبت به مردم هم عصر خود با آسایش و رفاه آزادی بسیار زیادتر و غیر قابل قیاس زیستند که از شاخص های عمده رفاه و تامین اجتماعی با دولت رفاه به شمار می روند. زیرا از وظایف اصلی و اساسی دولت رفاه آن است که در جهت گسترش تامین و رفاه اجتماعی هرچه بیشتر تلاش کند.

رتال جامع علوم انسانی

من برای صلح کوشیدم

«نبونید» مردم درمانده بابل را به

بردگی کشیده بود

کاری که در شأن آنان نبود

من برده داری را برانداختم

به بدبختی های آنان پایان بخشیدم

فرمان دادم که همه مردم در

پرستش خدای خود آزاد باشند

و آنان را آزار ندهند



دو هزار و سیصد سال پیش از آنکه آبراه سوئذ میان دریای سرخ و دریای مدیترانه ساخته شود به دستور داریوش با کندن ترعه‌یی بزرگ که عبور از آن چهار روز طول می‌کشید رود نیل را به دریای سرخ متصل کردند و آرزوی فراعنه مصر در کندن چنین ترعه‌یی را برآورده ساختند. در سنگ‌نبشته‌یی که در نزدیکی ترعه سوئذ پیدا شده داریوش شاه گوید.

«من یک پارسی هستم، از پارس مصر را گشودم، فرمان دادم آن آبراهه را بکنند، از رودخانه‌یی به نام نیل که در مصر جاری است، تا دریایی که از پارس می‌رود، پس از آن این آبراهه کنده شد، چنانکه فرمان دادم و کشتی‌ها از مصر، از میان این کانال به سوی پارس روانه شدند چنانکه خواست من بود».

همچنین داریوش بزرگ هیاتی را مأمور کرد تا مسیر رود سند را بررسی کرده تا از راه اقیانوس هند و دریای احمر به ایران برگرداند. پیرو این اقدام که به گفته «هردوت» ۳۰ ماه طول کشید چند بندر و یک راه دریایی برای تسهیل روابط بین هندوستان و بخش‌های باختری شاهنشاهی و دریای مدیترانه برقرار شد.

از جمله اقدامات دیگر هخامنشیان می‌توان به توسعه قنات‌سازی در ایران اشاره کرد که نخستین بار توسط کوروش و سپس توسط دیگران به صورت گسترده‌تری ادامه یافت. «پولیوس» در کتاب تاریخ خود می‌نویسد: پارسیان آن هنگام که ارباب آسیا بودند، حق بهره‌برداری از زمین را برای پنج نسل به کسانی اعطا می‌کردند که آب چشمه را به مناطقی که پیش از آن آبیاری نمی‌شد، ببرند.

در وصیت‌نامه منسوب به داریوش، او به خشایارش در مورد اقداماتش می‌گوید: «ده سال است که من مشغول ساختن انبارهای غله در نقاط مختلف کشور هستم و من روش ساختن این انبارها را که از سنگ ساخته می‌شود و به شکل استوانه هست در مصر آموختم و چون انبارها پیوسته تخلیه می‌شوند، حشرات در آن به وجود نمی‌آیند و غله در این انبارها چند سال می‌ماند».

بدون این که فاسد شود و تو باید بعد از من به ساختن این انبارها ادامه بدهی تا این که همواره آذوقه دو یا سه سال کشور موجود باشد و هر سال بعد از این که غله جدید به دست آمد، از غله موجود در انبارها برای تأمین کسری خواربار از آن استفاده کن و غله جدید را بعد از آنکه «بوجاری» شد به انبار منتقل نما و به این ترتیب تو هرگز برای آذوقه در این مملکت دغدغه نخواهی داشت و لو دو یا سه سال پیایی خشک سالی شود.

هرگز دوستان و ندیمان خود را به کارهای مملکتی نگمار و برای آنها همان مزیت دوست بودن با تو کافی است، چون اگر دوستان و ندیمان خود را به کارها مملکتی بگماری و آنان به مردم ظلم کنند و استفاده نامشروع کنند نخواهی توانست آنها را به مجازات برسانی، چون دوست

هستند و تو ناچار رعایت دوستی بنمایی.

آبراهه‌ای که بین رود نیل و دریای سرخ به وجود آوردم، از نظر بازرگانی و جنگی خیلی اهمیت دارد. اما مواظب باش که عوارض عبور کشتی‌ها از آن آبراهه نباید آنقدر سنگین باشد که ناخدایان کشتی‌ها، ترجیح بدهند که از آن عبور نکنند. اکنون سپاهی به طرف مصر فرستادم تا این که در این قلمرو، نظم و امنیت برقرار کنند ولی فرصت نکردم سپاهی به طرف یونان بفرستم و تو باید این کار را به انجام برسانی»

مدت زمان کارکرد روزانه کارگران ۸ ساعت و در تابستان ۱۰ ساعت بوده است. کارگران به صورت رسمی در ماه یک «دریک طلا» دستمزد و استادکاران ۵ یا ۶ برابر آن در ماه دریافت می‌کردند. از آنجا که هر کارگر یا استاد نمی‌توانست تا آخر عمر کار کند یک‌هشتم حقوق هر فرد در صندوق جداگانه زیر نظر خزانه‌دار پس‌انداز می‌شد تا در هنگام از کار افتادگی به او یا خانواده او پرداخت شود (بیمه از کارافتادگی امروزی). مزد کارگران در زمان‌های تعطیلی نیز محاسبه و پرداخت می‌شد.

در تخت جمشید فقط مردان مشغول به کار نبودند بلکه در اموری همچون بافندگی، زنان و دختران هم حضور داشتند. در بیست و سه لوح و متن که از کاوش‌ها به دست آمده به گروه‌های زنان اشاره شده که معلوم می‌شود که زنان پشم می‌ریسیدند و انواع لباس و جامه تهیه می‌کردند.

حقوق زن و مرد در اغلب اوقات برابر بوده است و زنان می‌توانستند کار نیمه وقت انتخاب کنند تا از عهده وظایفی که در خانه به خاطر خانواده داشتند برآیند.

از نکات بسیار شگفت‌انگیزی که در مورد زنان و وضعیت آنان باید اشاره کرد امور رفاهی فراوان و برابری زنان و مردان بوده است. زنان در عصر هخامنشی می‌توانستند حتا به ریاست گروه‌های کار انتخاب شوند و در هنگام زایمان از جیره بیشتری نسبت به مردان برخوردار بودند. پس از زایمان از مرخصی با حقوق و نیز هدایایی بهره‌مند می‌شدند. آنها می‌توانستند در هنگام کار در تخت جمشید، کودکان خود را به «مهد کودک» بسپارند.

طبق شواهدی که موجود است خانواده ایرانی در عصر هخامنشی به صورت عمدتاً تک همسری و خانواده گسترده بوده است.

نظام قضایی و رعایت عدالت که از ویژگی‌های رفاه و تأمین اجتماعی است در زمان هخامنشیان بسیار مدون و عادلانه بود. زیرا مجری قانون و دادگستری، معان و پیشوایان مذهبی بودند که نزد ایرانیان از



رشوه دادن از گناهان بزرگ

و مجازات آن اعدام بود

کمبوجیه دستور داد پوست قاضی

رشوه‌گیری را کنند

و بر کرسی قضاوت وی کشیدند

و فرزندش را بر آن تخت نشانند

تا پیوسته هنگام قضاوت

سرگذشت پدر را به خاطر داشته باشد

و از راه راست منحرف نشود

و ... از خشتر پاون نیز نظر مشورتی می‌خواستند چنانکه پولیاس در کتاب تاریخ خود در فصل یازدهم بند سه به همین نکته را اشاره می‌کند که: «داریوش نخستین کسی است که میزان خراج پرداختی اقوام خود را تعیین کرد و در تعیین میزان آن از نظر استانداران استفاده کرد و میزان خراج را پس از مشورت به نصف کاهش داد.»

همچنین جهت بایگانی اسناد خزانه مرکزی تاسیس شد و اسناد چندین دهه در یک تالار بزرگ در تخت جمشید بایگانی می‌شد.

از این‌رو دوران حکومت هخامنشیان بدون شک یکی از درخشان‌ترین دورانی بوده است که مردم به چشم دیده‌اند حکومتی که در جهت توسعه و رفاه مردم این سرزمین تلاش فراوانی از خود بروز دادند و صفحات درخشانی را از خود به یادگار گذاردند. ایرانیان باستان در عصر هخامنشی با فرهنگ و تمدن درخشان خود که گنجینه عظیمی از هنر، اندیشه، اخلاق، فرزانی، آداب و رسوم و سنن است همواره با اقدامات موثر و گوناگونی که در جهت رفاه و تأمین اجتماعی مردم این سرزمین به عمل آوردند، کوشیدند تا این نیاز حیاتی را در میان مردم به بهترین نحو به اجرا در آورند زیرا دریافته بودند که تا این مهم حاصل نیاید جامعه توسعه نمی‌یابد و حکومت دوام نمی‌آورد.

بدین منظور آنان با استفاده از تمام عوامل ممکن که شرح آنها گذشت تلاش کردند تا حداکثر رفاه و بهزیستی و امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و ... را در جامعه به وجود آورند.

علاوه بر آن کوشیدند تا فرد ایرانی را چنان پرورش دهند که برای جامعه عضو مفید و سودمندی باشد و وظایف خود را در قبال میهن به انجام برساند و با عادت دادن کودکان و جوانان به کارهای دسته‌جمعی حسن همکاری و جوانمردی را در ایشان ایجاد کرده که در انجام وظایف اجتماعی و حفظ حقوق خود و دیگران کوشا باشند، از قوانین جمع پیروی کنند آن را محترم دارند و گذشته از آن از اندیشه و کردار نکوهیده در امان باشند. زیرا می‌دانستند که «دل تهی بدی جوید و دست تهی به گناه گراید.»

فرزانگان و دانشمندان به شمار می‌رفتند.

رشوه دادن از گناهان بزرگ و مجازات آن اعدام بود. کمبوجیه دستور داد پوست قاضی رشوه‌گیری را کنند و بر کرسی قضاوت وی کشیدند و فرزندش را بر آن تخت نشانند تا پیوسته هنگام قضاوت سرگذشت پدر را به خاطر داشته باشد و از راه راست منحرف نشود.

اگر کسی در محکمه‌ی محلی نمی‌توانست به حق خود برسد، می‌توانست به شاه رجوع کند.

داریوش در کتیبه‌ی بیستون می‌نویسد: «به خواست اهورا مزدا من چنانم که راستی را دوست دارم، بدی را دوست نیستم، چون مرا خشم مسلط شود با اراده سخت نگاه می‌دارم، بر خویشان سخت فرمان روا هستم.»

در جای دیگر از همان کتیبه می‌نویسد: «از دروغ روی گردانم، دوست ندارم ناتوانی از حق‌کشی در رنج باشد همچنین دوست ندارم که به حقوق توانا به سبب کارهای ناتوان آسیب برسد آنچه را که درست است من آن را دوست دارم، من بد خشم نیستم.»

داریوش مجموعه قوانینی تنظیم کرد که آن را «دستور نظامات خوب» نامید که تا هورت‌ترین نواحی کشور اجرا می‌شد. چنان‌که داریوش در کتیبه بیستون به آن اشاره می‌کند این دستور «دات» است که امروزه به قانون ترجمه شده است.

داریوش هخامنشی بازرسان سلطنتی را برای نخستین بار در تاریخ به وجود آورد. او اولین سازمان جاسوسی رسمی دنیا را جهت جلوگیری از فساد حکومتی و ستم به مردم و کنترل مرزها و امنیت داخلی به نام «چشم و گوش» شاه در هر ساتراپی به وجود آورد.

این سازمان با توجه به اعتمادی که شاه به آنان داشت در تمام امور مملکتی اختیار نظارت غیر محسوس داشت و همین امر موجب می‌شد تا ماموران حکومتی و اشراف و توانمندان نتوانند بر مردم ستم کنند. مبارزه داریوش با فساد و رشوه آنچنان شدید بود که تأثیرش تا سال‌ها بر نظام اداری ایران باقی ماند.

گمرک برای نخستین بار به معنای امروزی آن در تمام شهرهای بزرگ ایران به دستور داریوش اول بر پا شده بود و کلیه کالاهایی که وارد یا خارج می‌شدند مشمول خراج می‌شدند. پادشاهان هخامنشی جهت امور مملکتی از هیاتی از مشاوران حکومتی استفاده می‌کردند و در کنار آن در امور مالی و سیاسی